



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان درباره مثلی و قیمی بود ، عرض کردیم که اگر مال در تحت ید ضامن تلف شود برای رفع ضمان ، در مثلی باید مثل و در قیمی باید قیمت را اداء کند و اما حالا بحث در این است که در جائی که مثلی را ضامن است آیا ترقی و تنزل قیمت آن تأثیری دارد یا نه یعنی آیا شخص ضامن این تفاوت قیمت نیز می باشد یا نه؟ دو مثال در اینجا زده شده : اول اینکه : فرض کنید برنج و یا گندمی به عقد فاسد معامله شده و حالا لازم است که عین مبیع که موجود است به صاحبش برگردانده شود منتهی در حال حاضر قیمت آن برنج و گندم ها نسبت به روزی که آنها را خریده خیلی پائین آمده است خوب آیا در این صورت فقط ضامن مثل آن گندم و برنج هاست یا اینکه باید ما به التفاوت قیمت را نیز به صاحبش پرداخت کند؟ .

مثال دوم اینکه اگر عین بعد از قبض به بیع فاسد تلف شود در این صورت نیز در مثلی ضامن مثل می باشد منتهی چونکه در پرداخت مضمون به تأخیر کرده قیمت آن تنزل پیدا کرده ، خوب در اینجا نیز بحث در این است که آیا فقط ضامن همان مثل است یا اینکه ضامن نقصان قیمت نیز می باشد؟ مشهور فقهاء من جمله شیخ انصاری و صاحب جواهر می فرمایند که در هیچ موردی شخص ضامن نقصان قیمت سوقیه نیست و حتی صاحب جواهر بر این مطلب ادعای اجماع کرده .

شیخ اعظم انصاری دو دلیل برای عدم ضمان نقصان قیمت سوقیه بیان کرده : اول اجماع و دوم روایاتی که در باب دراهم و دنانیر ذکر شده که لازم است آنها را مورد بررسی قرار بدهیم .

عرض کردیم صاحب وسائل این اخبار را در جلد ۱۲ وسائل ۲۰ جلدی ص ۴۸۷ در آخر کتاب و در باب ۲۰ از ابواب الصرف ذکر کرده .

خبر اول از این باب ۲۰ این خبر است : « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ قَالَ : كَتَبْتُ إِلَى الرُّضَا (ع) أَنْ لِي عَلَى رَجُلٍ ثَلَاثَةَ آلَافِ دِرْهَمٍ - وَ كَانَتْ تِلْكَ الدَّرَاهِمُ تُنْفَقُ بَيْنَ النَّاسِ تِلْكَ الْأَيَّامَ - وَ لَيْسَتْ تُنْفَقُ الْيَوْمَ - فَلِي عَلَيْهِ تِلْكَ الدَّرَاهِمُ بِأَعْيَانِهَا - أَوْ مَا يُنْفَقُ الْيَوْمَ بَيْنَ النَّاسِ قَالَ فَكَتَبَ إِلَيَّ - لَكَ أَنْ تَأْخُذَ مِنْهُ مَا يُنْفَقُ بَيْنَ النَّاسِ - كَمَا أُعْطِيَتْهُ مَا يُنْفَقُ بَيْنَ النَّاسِ . »

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى مَثَلُهُ « . »

آیت الله بروجردی اعلی الله مقامه در طبقاتی که برای روآت ذکر کرده روایان را به ترتیب استاد و شاگرد بیان کرده اند و خود ایشان در طبقه ۳۶ و ما که شاگرد ایشان هستیم و اجازه رجالی نیز از ایشان داریم در طبقه ۳۷ می باشیم ، براساس طبقات مذکور آیت الله بروجردی کلینی طبقه ۹ و علی بن ابراهیم طبقه ۸ و محمد بن

سهل بن زیاد فرموده که او ۲۳۰۴ نقل کرده لذا اگر موثق باشد تمام این روایات صحیح می شوند ولی اگر توثیق نشود تمام آنها ضعیف می شود که ما بعداً درباره او بحث خواهیم کرد ، این خبر اول بود که به دو طریق کلینی و شیخ طوسی نقل شده بود .

خبر دوم از این باب ۲۰ این خبر است : « وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ قَالَ : كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) - أَنَّهُ كَانَ لِي عَلَى رَجُلٍ دَرَاهِمٌ - وَ أَنَّ السُّلْطَانَ أَسْقَطَ تِلْكَ الدَّرَاهِمَ - وَ جَاءَتْ دَرَاهِمُهُمْ أَعْلَى مِنَ الدَّرَاهِمِ الْأُولَى - وَ لَهَا الْيَوْمَ وَضِيعَةٌ - فَأَيُّ شَيْءٍ لِي عَلَيْهِ الْأُولَى الَّتِي أَسْقَطَهَا السُّلْطَانُ - أَوْ الدَّرَاهِمُ الَّتِي أَجَازَهَا السُّلْطَانُ فَكَتَبَ لَكَ الدَّرَاهِمُ الْأُولَى » .

شیخ طوسی از طبقه ۱۲ است و باسناده این خبر را از کتاب محمد بن حسن صفار که از أجلاى طبقه ۸ است نقل کرده و طریق شیخ طوسی به صفار صحیح است ، محمد بن عیسی عبید یقطینی و یونس بن عبدالرحمن نیز خوب هستند و خبر سنداً صحیح می باشد و همانطور که می بینید در این خبر گفته شده همان دراهم اولی باید پرداخت شود نه دراهم رائج بین مردم .

خوب و اما مطلبی که درباره این دو خبر (خبر ۱ و ۲) وجود دارد آن است که هر دو خبر از یونس نقل شده منتهی در خبر اول گفته شده که باید درهم معمول بین الناس پرداخت شود ولی در خبر دوم گفته شده باید درهم اولی پرداخت شود ، خوب در اینجا باید ببینیم آیا

عیسی بن عبید یقطینی طبقه ۷ و یونس بن عبدالرحمن از طبقه ۶ می باشد و همگی ثقہ و خوب هستند و حدیث سنداً صحیح می باشد .

(در نقل روایات بین مشایخ ثلاثه یعنی مرحوم کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی فرق وجود دارد ، کلینی در هر خبری از خودش تا معصوم تمام روآت را یک به یک بیان می کند البته گاهی معلقات هم دارد که با مراجعه به اخبار قبلی معلوم می شود . شیخ طوسی اخبار را از کتب مختلف گرفته لذا در نقل خبر فقط اسم صاحب کتاب را ذکر می کند و گاهی بین خودش و صاحب کتاب چند واسطه وجود دارد منتهی ما برای فهمیدن طریق شیخ طوسی به آن کتاب باید به آخر تهذیب مراجعه کنیم . اما شیخ صدوق فقط آخرین راوی را که از معصوم نقل کرده ذکر می کند یعنی تمام واسطه های بین خودش و آن آخرین راوی را حذف کرده منتهی در آخر کتاب این واسطه را بیان کرده ، بنابراین همانطور که می بینید دأب مشایخ ثلاثه در نقل خبر خیلی با هم تفاوت دارد) .

و اما همانطور که دیدید صاحب وسائل این خبر را از شیخ طوسی نیز نقل کرده که در این سند ، محمد بن یحیی بن عمران أشعری قمی از أجلاى طبقه ۸ است ولی شیخ طوسی از طبقه ۱۲ می باشد و این خبر را شیخ از کتاب محمد بن أحمد بن یحیی گرفته منتهی اسناد شیخ به محمد بن أحمد بن یحیی صحیح است و طُرق این اسناد در آخر جامع الروات ذکر شده ، سهل بن زیاد محل حرف است و آیت الله خوئی خبر را بخاطر وجود او تضعیف کرده ، ایشان در معجم رجال حدیث درباره

است ضعیف می باشد اما همانطور که می بینید این خبر نیز مضموناً مثل خبر دوم می باشد یعنی در آن گفته شده که باید دراهم اولی پرداخت شود ، خوب این سه خبر را مطالعه کنید تا این شاء الله فردا آنها را مورد بحث قرار بدهیم ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد آله الطاهیرین

یک نفر دو دفعه نامه نوشته و دو جواب متخالف گرفته یا اینکه یک دفعه نامه نوشته ولی در نقل آن یک نامه اختلاف بوجود آمده؟ آیت الله بروجردی اعلی الله مقامه در درسشان می فرمودند ما می دانیم که این سؤال یک مرتبه و توسط یک نفر پرسیده شده و امام هم یک جواب داده اند منتهی ما دو جواب متعارض با هم داریم که در این صورت ما نمی توانیم بگوئیم که دو خبر متعارض با هم داریم زیرا در واقع یک خبر است که در نقل آن اختلاف پیش آمده علی ای حال این باعث می شود که این دو خبر اجمال پیدا کنند و ما نتوانیم به آنها تکیه کنیم .

خوب واما خبر ۳ از این باب ۲۰ در واقع خبر نیست بلکه توجیه خبر ۲۰۱ می باشد که ما بعداً آن را می خوانیم .

خبر ۴ از این باب ۲۰ این خبر است : « وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ صَفْوَانَ قَالَ : سَأَلَهُ مُعَاوِيَةُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ رَجُلٍ اسْتَقْرَضَ دَرَاهِمَ مِنْ رَجُلٍ - وَ سَقَطَتْ تِلْكَ الدَّرَاهِمُ أَوْ تَغَيَّرَتْ وَ لَأَ يُبَاعَ بِهَا شَيْءٌ - أَوْ لِمَا لِيَصَاحِبِ الدَّرَاهِمِ الدَّرَاهِمُ الْأُولَى - أَوْ الْجَائِزَةُ الَّتِي تَجُوزُ بَيْنَ النَّاسِ - فَقَالَ لِصَاحِبِ الدَّرَاهِمِ الدَّرَاهِمُ الْأُولَى » شیخ طوسی از صفار از محمد بن عبدالجبار که ثقة و از طبقه ۷ می باشد و او از عباس بن صفوان که مهمل است این خبر را نقل کرده و مهمل یعنی اینکه در کتب رجالی چنین کسی با این نام اصلاً ذکر نشده لذا خبر اولاً به خاطر وجود عباس و بعد بخاطر « سألته » که دال بر مضمرة بودن